

چهاربایگ کرد؟

مقاله‌ای درباره نادر شاه بنویسد. چند روز بعد آمد و مقاله را تحویل داد؛ اما مدتی بعد دریافتیم که آن مطلب را عیناً از یکی از آثار دکتر رسول جعفریان رونویسی کرده است!

روزی دیگر، خانمی به گروه رجوع کرد. از جایی دور آمده بود، با مقاله‌ای درباره ایران باستان؛ مقاله‌ای وزین و خواندنی. آن را تحویل داد و رفت. مقاله هم چاپ شد. چندی بعد دوباره آمد. این بار درباره ایران دوره اسلامی مطلبی تهیه کرده بود؛ بهتر از مطلب قبل! به روال معمول مطلب را برای ارزیابی نزد دکتر مفتخری فرستادم.

چند روز بعد دکتر تماس گرفت و گفت مقاله عیناً کپی‌برداری از نوشته خود اوست! حیرت کردم! دکتر مفتخری گفت که خودش به خانم مذکور زنگ زده و مطلب را به او گفته است. پیامکی برای خانم نویسنده فرستادم با این مضمون که لطفاً دیگر برای ما مطلب نفرستید.

یک بار هم همکاری، از یکی از استان‌ها مقاله‌ای پژوهشی و متین و محکم درباره مناسبات ایران و هندوستان فرستاده بود. وقتی به یاد می‌آورم برای ویرایش، حروف‌چینی، نمونه‌خوانی و تهیه منابع بصری آن مقاله چقدر وقت صرف کردم خیلی دلم می‌سوزد! روزی برای کاری نزد دکتر جمشید نوروزی که آن وقت‌ها با ما کار می‌کرد رفتم. کتابی درباره تاریخ و فرهنگ هند روی میزش بود که توجهم

موضوعی را که می‌خواهم در این شماره مطرح کنم نکته تازه‌ای نیست، ولی آن اندازه اهمیت دارد که بارها تکرار شود! در دوره دانشجویی - دوره لیسانس - هم‌کلاسی داشتیم که اهل خطه شمال بود. روزی دیدم ماتم زده و عصبانی است. علت را جویا شدم. گفت: «چندی پیش شعری درباره ایران باستان سروده و نسخه‌ای از آن را به فلانی - یکی از اساتید - داده‌ام. اکنون آن شعر در فلان نشریه منتشر شده است؟ به نام همان استاد!» بعدها از مرحوم استاد زرین‌کوب خواندم که فلان نویسنده همواره منتظر بوده است تا اثر تازه‌ای از استاد منتشر شود، تا وی با مختصر تغییری آن را، با نامی تازه، به نام خودش منتشر کند! در این جا می‌خواهم نمونه‌هایی را مرتبط با رشد آموزش تاریخ ارائه کنم و البته نه از تفنن و سرگرمی بلکه به عنوان یک معضل و دغدغه شغلی!

چند سال پیش، زمانی که در گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی بودم، روزی فردی به گروه آمد. ضمن معرفی خود به عنوان دبیر تاریخ اظهار داشت که علاقه‌مند است به عنوان کارشناس گروه تاریخ به سازمان منتقل شود. من که شناختی از او نداشتم، نتوانستم پاسخ فوری به او بدهم. به او گفتم که بهتر است مدتی برای مجله چیز بنویسد تا بهتر و بیشتر بشناسمش و او را ارزیابی کنم. قرار شد، برای شروع،

